

« باسمه تعالی »

عنوان مقاله :

« هویت ملی در ادبیات کودکان »

فاطمه اختران فر

مدرک تحصیلی :

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

رتبه دانشگاهی :

مربی

نام مؤسسه آموزشی یا پژوهشی محل اشتغال :

دانشگاه آزاد اسلامی - واحد لاهیجان

چکیده‌ی مقاله

به نام بهترین دانش‌آموز پاک

این مقاله، با عنوان ((هویت ملی در ادبیات کودکان))، در یک فصل، مشتمل بر چند عنوان فرعی، با مضمونی پیرامون محور یازدهم همایش، به شرح زیر ارائه می‌شود:

نخستین بخش مقاله، مقدمه‌ای است که فرهنگ عامیانه‌ی ملل را سرچشمه‌ی ادبیات دنیا می‌شمارد؛ فرهنگی که نقطه‌ی آغاز آن را باید در محیط روایات منظوم و منشور خاص کودکان جست‌وجو کرد.

آن‌گاه انواع ادبیات آغازین کودک، چون لالایی، متل، ترانه و افسانه، به تفکیک مطرح می‌شود، اساس پیدایش و رسالت وجودی آن‌ها بیان می‌گردد؛ نیز امتزاج تار و پود آن‌ها با فرهنگ تاریخی و بومی اقوام زمین، به ویژه ایرانیان بررسی می‌شود.

سپس مهم‌ترین عنصر داستان، یعنی شخصیت و گونه‌های مطرح و متفاوت آن، با توجه به جنبه‌های روان‌شناختی نفوذ این عنصر بر ذهن کودک مورد نقد قرار می‌گیرد، مقام هویت ساز آن در افسانه‌ها مورد توجه واقع می‌شود و از تفضیل و توضیح دیگر عناصر داستان، پرهیز می‌شود، چرا که مجالی جز برای گذری نسیم‌وار از آب‌های بی‌کران و ژرف آثار موجود زبان ما نیست.

در بند پایانی این مقال، نتیجه‌گیری می‌شود، که اجداد انسان فلسفه‌ی زندگی را با تجارت خود چنان تفسیر کرده‌اند، که دانشمندان امروز تنها با آگاهی از روایات بازمانده‌ی نیاکان انسان، می‌توانند بستری مناسب برای علوم جدید فراهم آورند.

بن مایه‌ی ادبیات ایران و جهان

فرهنگ مردم و ادبیات شفاهی، سرچشمه‌ی پیدایش ادبیات مکتوب دنیاست. فرهنگ مردم را نه تنها در ادبیات، بلکه در نقاشی، موسیقی، ظرف، ابزار، پناهگاه و همه‌ی تولیدات انسانی، می‌توان یافت.

بسیاری از علوم زمان ما نیز، هم چون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی از همین فرهنگ عام، پی‌ریزی شده است.

انسان هر آن چه را که ضامن امنیت و آرامش او باشد، ایجاد کرده و می‌کند؛ تصویر، زبان، لباس، ابزار، کتاب تا شبکه‌ی جهانی (Internet)، این پایگاه ارتباطی عظیم. هر چه از آدمی باقی بماند، بیانگر اندیشه‌ها و خواسته‌های اوست.

بخشی از فرهنگ مردم، امروزه با عنوان «فولکلور» (Folklore) یا ادبیات نیاکان مطرح می‌شود. فولکلور جلوه‌گر همه‌ی جنبه‌های زندگی، یعنی آداب، آیین، آرا، آرزوها و اندیشه‌هاست. ادبیات عامیانه، همان افسانه‌ها و قصه‌ها و ترانه‌هایی است که از گذشته‌ی دور تاکنون وجود یافته و برای تفریح یا تعلیم انسان به کار رفته است. به جرأت باید گفت، که ادبیات مردم و روایات ایرانی، در ابتدا، اختصاص به کودکان ایران داشته است. با آن که ادبیات کودکان تا قرون اخیر، جایگاه و عنوان خاصی در میان آثار ادبی نداشت، چه گونه می‌توان بین ادبیات کودکان و بزرگسالان، به ویژه از نوع تعلیمی، حماسی و غنایی آن، مرزی قایل شد، حال آن که درخت بارور ادبیات ما، ریشه در افسانه‌ها و ترانه‌های دیرین دارد؟!

هویت ملی در ادبیات کودکان

زمانی که مردان و زنان برای به دست آوردن روزی خود، به بیرون از سرپناه خود می‌رفتند؛ کودکان و کهنسالان، در سرپناه به سر می‌بردند و پیران برای آرامش خود و خردسالان، برای آنان نغمه سر می‌دادند. بنابراین نخستین بذر کشتزار پرحاصل ادبیات ایران را باید در اولین نغمه‌های مخصوص کودکان یعنی «لالایی»^۱ ها جست و جو کرد. و پس از آن در مثل‌ها^۲، ترانه‌ها^۳، افسانه‌ها^۴ و سرانجام در باقی آثار ادبی ایران زمین.

هویت ملی در لالایی‌ها

اگر به هر یک از «لالایی» های ایرانی گوش بسپاریم، نوایی حزن‌انگیز و آرام از آن می‌شنویم.^۵ به همین دلیل می‌توان گفت که بخشی از زندگی انسان ایرانی، یعنی غم‌ها و دغدغه‌هایش را می‌توان در لالایی‌ها یافت. از اولین لالایی‌های مکتوب زبان ما پیداست که این گونه‌ی ادبی، با لهجه‌ها و گویش‌های متفاوت؛ که هر یک نمایانگر نوع زندگی و بافت زیست - محیطی مردمان همان ناحیه و مشاغل آن‌هاست، وجود دارد و بسیاری از آن‌ها نیز نشانگر ستمی است که در طی اعصار بر زنان رفته است؛ چه خوانندگان لالایی در بیشتر مناطق دنیا مادران، دایگان و زنان پیر بوده‌اند. اینک چند نمونه‌ی آن با مضامین و گویش‌های متفاوت :

- دفع ترس و غم تنهایی (با لهجه‌ی تهرانی)

لالا لالا / لالا لالا / برو لولوی صحرائی / تو از بچه‌م چه می‌خواهی / که این بچه پدر

داره / دو شمشیر بر کمر داره / ...

– دغدغهی رفتن مردان به جنگ (با لهجهی شیرازی)

لالا لالا / گل خشخاش / کاکام^۶ رفته، خدا همراهش / لالایی گل زیره / کاکام رفته، دلم
آروم نمی‌گیره / لالایی گل پسته / کاکام رفته کمر بسته / ...

– ستم بر زنان (با لهجهی مشهدی)

لالا لالا / گل زیره / بچم آروم نمی‌گیره / باباش رفته زنی گیره / ننه‌ش از غصه
می‌میره / ...

– دفع خطر و ناامنی (با گویش ترکمنی)

لالا لالا / لالا لالا / یاد ایلاره قیز برسگای / بیترگیدر اجه جانی / ...^۷

– غم فقر و نداری (با گویش کردی)

لالا لالا / لالا لالا / روله هر چی کسمه‌می / کورپه بان دسه می / روله ویده توله نی /
گیفانت بنم سیف و بی / نه تون دیرم نه تشی / روله‌م اگر و خوشی / ...^۸

– غم جبر و اقتدار (با لهجهی تربتی)

الا لالا گلم مگری^۹ / کسی با تو نکرد جبری / اگر با تو کنه جبری / خدا مرگش دهه
فوری / ...

– غم بلا و دفع بیماری (با گویش گیلکی)^{۱۰}

لالا لالا / لالا لالا / تی بلا مره بگنه / هل و میخک دار بگنه / زنجبیل دارون بگنه /

دپکون عطار بگنه / ...

هویت ایرانی در متل‌ها

اگر لالای‌های ایرانی بیانگر غم و آرامش طلبی انسان ایرانی است، متل‌ها، شادی و تفریح را جلوه‌گر می‌کند.

موضوع «متل» های ایرانی، بیشتر بازی گونگی است و رسالت آن شادی آفرینی و بازی سازی و هم نشینی است. از متل‌های کشورهای گوناگون می‌توانیم انواع بازی‌های کودکان را بشناسیم و می‌دانیم که بازی مهم‌ترین عنصر سازنده‌ی شخصیت در کودکان است و بازی کودکان هر جامعه، نشانه‌ای از فرهنگ اجتماعی و زیستی آن قوم است.

متل‌های ایرانی، هنجارهای اجتماعی، ارزش نوع دوستی، ارزش آب و خاک و آتش و باغ و

زمین و حیوانات اهلی نزد ایرانیان را نشان می‌دهد. از جمله :

دویدم و دویدم / سر کوهی رسیدم / دو تا خاتونی دیدم / یکی به من آب داد / یکی به من

نون داد / نونو خودم خوردم / آبو دادم به زمین / زمین به من علف داد / علفو دادم به بز / بز به

من شیر داد / ...

به نظر می‌رسد که نمونه‌ی فوق مختص مردم زراعی است، حال آن که نمونه‌ی زیر به

ظاهر، اختصاص به مردم باغات دارد :

بعضی از ترانه‌ها اساطیری و یا دعایی است، این ترانه‌ها بیانگر آرزوها، خواسته‌ها و درگیری آدمی با طبیعت است. ترانه‌ای در نوعی از بازی دسته جمعی خوانده می‌شود، که ریشه‌ی آن در دوران پیش از اسلام جست و جو می‌شود^{۱۲} و دارای یک شخصیت اساطیری به نام «عمو زنجیرباف» است که او را همان «عمو نوروز» دانسته‌اند. صدایش می‌زنند تا بیاید و نعمت‌ها را با خود بیاورد. نوع بازی آن زنجیری و دایره مانند است و شاید تداعی‌گر باورهای دینی و اعتقادی مردمان ایرانی است که معتقدند دعاهای دسته جمعی زودتر برآورده می‌شود و تردیدی نیست که اساطیر حاصل و نتیجه‌ی نیاز انسان بوده است :

عمو زنجیرباف! / بله ... / زنجیر منو بافتی؟ / بله ... / پشت کوه انداختی؟ / بله ... / بابا اومده؟ / چی چی آورده؟ / نخود و کیشمیش / بخور و بیا / با صدای چی؟ / با صدای بز / ...

ترانه‌ی زیر نیز اساطیری و از نوع دعایی و ملی است. چرا که در فرهنگ دیرین ایران، خورشید، بانویی مقدس و مهربان بود که مردم او را واسطه بین زمین و خداوند قرار می‌دادند تا آنان را به خواسته‌هایشان برساند :

خورشید خانم آفتاب کن / به من برنج تو آب کن / ما بچه‌های گرگیم / از سرمایی بمردیم / ...

هویت ملی در افسانه‌ها (اساطیری - حماسی - جادویی، دینی، فکاهی و چیستان)

شاید بسیاری از افسانه‌های پیشین، قبل از آن که ایرانی، یونانی، رومی، هندی، چینی و یا جز آن‌ها باشد، جهانی بوده است، که با زبان و فرهنگ ملل متفاوت دنیا آمیخته شده، رنگ و صورت بومی به خود گرفته است، مشترکات موجود در این افسانه‌ها نشان می‌دهد که، آن‌ها با راویان خود سفر

کرده‌اند و از مکانی به مکانی دیگر رفته‌اند و تفاوت‌های آن‌ها نیز بیان می‌کند، که هر یک منطبق با محیط زندگی مردی خاص پیوند خورده است و با تار و پود ملی، فرهنگی، زبانی و بومی آن مکان تنیده شده و رنگ پذیرفته است. نمونه‌ای مانند داستان «سهراب» شاه‌نامه و همانند آن یعنی «گنلائوخ»^{۱۳}، «تلگونس»^{۱۴} و «شاهین»^{۱۵}. حتی یک محقق انگلیسی به نام پاتر (Potter)، بیش از هشتاد افسانه مانند داستان سهراب را که متعلق به اقوام و قبایل مختلف دنیاست یافته است.^{۱۶} نمونه‌ی دیگر قصه‌ی «ماه پیشانی» و همانند اروپایی آن «سیندرلا» است.

همه‌ی فرزندان نیک آدم، خواهان سعادت و امنیت برای کودکان جهان هستند و پایگاه‌های مخصوص کودکان و نوجوانان نیز، در تمام عالم، در پی یگانگی و هم‌دلی کودکان دنیاست. ادبیات کودکان ایران نیز در پی ایجاد بهترین رابطه میان انسان و پدیده‌های عالم هستی است.

افسانه‌های زبان فارسی، حتی اگر زائیده خیال و وهم و یا از نوع خرافی باشد، حاصل تجارب انسانی است و رازی در خود نهفته دارد که این راز معلم تعلیم و پرورش کودک است و البته هدف واقعی افسانه‌های ایرانی در تقابل «خیر و شر» به ظهور می‌رسد. اگر چه هدف اصلی داستان‌های ما تفسیر زندگی نیست، فلسفه‌ی زندگی را با خود دارد و قابل تفکیک از تفسیر فلسفی آن نیست.

بیش از آن که ادبیات کودکان، یکی از شاخه‌های خاص ادبیات ایران باشد، در میان متون سنتی فارسی به یافتن آن اقدام می‌شد، تا در منابع درسی به ثمر بنشیند. کهن‌ترین افسانه‌های فارسی ویژه‌ی کودکان، داستان‌های «اهرمین و اهورا» در مزدیسنا و «درخت و بز» در درخت آسوریک است.^{۱۷} پس از آن باید از قصه‌های «هزار و یک شب» نام برد. اما از حکایات «کلیله و دمنه»، «مرزبان نامه»، «بوستان»، «گلستان»، «منطق الطیر» و «شاه‌نامه» و حتی قبول منشور و منظوم قرون اخیر نیز به عنوان ادبیات کودکان، در کتب درسی استفاده شد. چون

سروده‌های پروین و ایرج میرزا در داستان‌های علی‌اکبر دهخدا. تا آن که بعضی از بزرگان ادبی ایران هم از جمله صادق هدایت، صبحی مهتدی، جبار باغچه‌بان، عباس یمینی شریف، پروین دولت آبادی، یحیی دولت آبادی، محمود کیانوش و مصطفی رحمان دوست و دیگران، بدین مهم پرداختند و ادبیات کودکان و نوجوانان را به استقلال رساندند و هنوز هم مرز ادبیات کودکان و ادبیات سنتی ایران، باریک‌تر از موسی و بسیاری از گونه‌های ادبی، تنها از طریق بازآفرینی و بازنویسی، استقلال ادبی از نوع کودکانه یافته و می‌یابد.

هویت ملی و عنصر شخصیت در ادبیات کودکان

مهم‌ترین عنصر هر داستان منظوم یا منثور «شخصیت» است، به ویژه در داستان‌های مخصوص کودکان، چرا که کودک با شخصیت‌های قصه ارتباط ایجاد می‌کند، آن را باور می‌کند و در شخصیت اصلی آن حل می‌شود و مرز میان خود و او را فراموش می‌کند. همان که امروز روان‌شناسان کودک، با عنوان «هم ذات پنداری» (Protagonist)^{۱۸} بدان توجه خاص دارند.

شخصیت در انواع متفاوت افسانه‌های فارسی، بر چند مبنا تقسیم می‌شود. یکی از مبانی تقسیم «نوعی» است، که به دو قسم «انسانی»^{۱۹} و «غیرانسانی»^{۲۰} وجود دارد. دیگر مبنای تقسیم «رفتاری» است که شخصیت را بر این اساس به دو گروه «ایستا»^{۲۱} (Static Character) و «پویا» (Developing Character)^{۲۲} دسته‌بندی می‌کند.

هر یک از انواع موضوعی داستان، یعنی اساطیری، حماسی، جادویی، قهرمانی یا فکاهی می‌تواند انسانی (واقعی) و یا غیرانسانی (تمثیلی) باشد. هم‌چنین هر داستان تمثیلی یا واقعی می‌تواند دارای شخصیت‌هایی پویا و یا ایستا باشد. به هر صورت همه‌ی آن‌ها، راه‌های تجربی

گره‌ها و فراز و نشیب‌های زندگی‌ست، که به تعیین با هویت تاریخی و فرهنگی مردم این سرزمین آمیخته شده است.

داستان‌های اساطیری پژواک آیین‌ها و باورهای توده‌ی مردم است. شخصیتی در

داستان‌های اساطیری پویا و انسانی و گره‌گشاست (God from Machine)^{۲۳} مانند داستان «آرش کمان گیر» «جمشید شاه» و «دیو سپید» برای نمونه از داستان آرش می‌توان دریافت که در باور عام، نیروی ایمان و عشق قادر است قدرت و شهامتی نامحدود بیافریند، چنان که تنها تقدیر می‌تواند آن را محدود سازد. آرش با نیروی ایمان و عشق به ایران، تیری از بازو رها می‌کند که این تیر سه روز و سه شب می‌رود و تنها درختی بر سه راهش، تیر را از رفتن باز می‌دارد. و این یعنی عشق و ایمان مرز ندارد و علاوه بر آن عدد سه نیز نمادی کیفی است نه کمی.

داستان‌های جادویی زبان فارسی بیانگر کراهت استفاده‌ی سوء از قدرت نزد ایرانیان

است. جادوگران شخصیتی ایستا از نوع کج رفتار دارند که همواره بد هستند و هرگز عبرت نمی‌گیرند و تنها خواست آنها سلطه بر عالم است. خنثی‌کنندگان نیروی پلید نیز اغلب «پریان» هستند که دارای شخصیتی ایستا و گره‌گشا، اما نیک رفتارند و گاه تنها واسطه‌اند، تا شخصیتی دیگر از داستان، با پلیدی روبه‌رو شود و نیروی او را خنثی کند. جالب این است که جادوگران و پریان بیشتر از نوع انسانی و به ویژه از نوع «زنان» هستند. شاید این بدان معنی است که قدرت به ظاهر زیبا و در باطن شکننده است و نیروی واقعی آن است که به ظاهر و باطن زیبا و سالم باشد.

داستان‌های حماسی کودکان نیز همان داستان‌های شاه نامه است و پرواضح است که داستان‌های شاه‌نامه برگرفته از ادبیات روایی موجود در زبان مردم بوده است. همان روایاتی که در مجامع کودکان و بزرگان خوانده می‌شد تا بدان‌ها دلاوری و فداکاری و وطن دوستی بیاموزد. شکست‌ها را مایه‌ی عبرت بشمارد و پیروزی‌ها را برای غیرخود بخواند. در این داستان‌ها، سنت و باورداشتهای ایرانی چه زیبا پدیدار است. داستان زال و سیمرغ، رستم و سهراب، سیاوش، رخس و ... که هر چه هست یا شایسته‌ی خرد است و یا رمز و معنی است.^{۲۴} و نماینده روح ایثارگر ایرانی، خردجویی و تقدیر پذیری اوست. داستان‌های حماسی شخصیتی پویا و انسانی دارد و حیوان این قصه‌ها نیز فراتر از حیوان است.

و اما داستان‌های دینی فارسی، پیش از اسلام از شاخه‌ی اساطیری آن به شمار می‌آمد هم‌چون داستان «اهورا و اهریمن» و پس از اسلام به طور مستقل به زبان فارسی راه یافت. این داستان‌ها بیشتر برگرفته از «قرآن» است و جنبه‌ی هدایت دینی دارد و در همه‌ی آن‌ها تفوق و پیروزی با خیر و خداجویی است. داستان‌های تمثیلی (آدم و حوا، یونس و ماهی، ابلیس و آدم، ...)، داستان جانوران (مورچه و سلیمان، فیل و ابرهه، هدهد و بلقیس، ...) و داستان پیامبران (نوح، ابراهیم، موسی و ...) از جمله داستان‌های دینی در ادبیات کودکان ایران است.

یکی از انواع ادبیات فارسی در متون بزرگسالان، نوع تعلیمی آن است که نمونه‌های آن کلیله و دمنه، مرزبان نامه و منطق الطیر است که از گونه‌ی تمثیلی یا جانوری است. اما در ادبیات کودکان نباید آن را نوع مشخص و مستقلی دانست، چرا که با توجه به تعلیمی بودن همه‌ی انواع داستان‌های شفاهی کودکان و نوع شخصیت موجود در آن‌ها (انسانی یا جانوری)، دیگر تفاوتی باقی نمی‌ماند تا تفکیکی دیگر بین داستان‌های تعلیمی و تمثیلی و دیگر انواع آن قایل شویم. و

چون انسان هرگز از پند و اندرز مستقیم خشنود نبوده است، پس تمثیلات جانوری را به خدمت گرفت تا به تعلیم و پرورش نوع خود بپردازد.^{۲۵}

اما ادبیات فکاهی کودکان، نوع زیبایی دیگری از داستان‌هاست. این گونه از قصه‌ها در عین تظاهر به حمق و نادانی حماقت و جهل را به سخره می‌گیرد. قصه‌های فکاهی بیان می‌کند، که در فرهنگ مردم ایران، سکوت، اغماض و تجاهل، هرگز به معنی بی‌خردی و کم‌هوشی نیست و حماقت سرانجام به دست حمق سرنگون می‌شود و خشت سست نهاد، فرو می‌ریزد. داستان‌های ملانصرالدین و بهلول وجهی و نیز حکایات عبید زاکانی و علی‌اکبر دهخدا از این دسته‌اند.

هم‌چنین معماها و چیستان‌های موجود، اگر در ادبیات بزرگسالان تفنن ادبی به شمار می‌آید، در ادبیات کودکان ایران بیانگر خردپیشگی و اندیشه‌مداری است.

به هر صورت همه‌ی افسانه‌های ایرانی تقابل خیر و شر است و نماینده‌ی باورهای پاک مردم ایران که آرزومند پیروزی جاودان خیر و نیکی‌اند.

راویان این قصه‌ها و ترانه‌ها، در آن روزگاران دیرین، هرگز گمان نمی‌کردند، روزی خواهد رسید، که دانشمندان و روان‌شناسان کودک به همراه ادیبان، جامعه‌شناسان، زبان‌شناسان و اندیشمندان دیگر در روایات آنان سر فرو برند و به دنبال هویت ملل بگردند. اما شاید این را می‌دانستند و باور داشتند، که آن چه از زندگی بروید ثمری از زندگی خواهد داشت و نمادی از رویش بارور خواهد شد.

پانوشتها

- ۱- از واژه‌ی لاله یا لاله به معنی غلام و بنده است و معنی اصطلاح آن «نوی دلنشین» است.
- ۲- در لغت به معنی چربک و مفت است و در اصطلاح حکایت کوچک خیالی و گاه خرافی را می‌گویند.
- ۳- به معنی خرد، تازه و جوان است. شعری است غنایی با یکی از الحان موسیقی و اولین تران‌های زبان فارسی «فهلویات» نام دارد.
- ۴- اوسنه، فسانه یا افسون، معادل قصه، داستان، حکایت، روایت، سرگذشت و نیز به معنی «مشهور» است.
- ۵- لالایی‌های ایرانی بیشتر در وزن و بحر «خرج سالم» سروده شده است.
- ۶- به معنی برادر
- ۷- اگر به غریبه‌ها، دختر بدهی / گم می‌شود و می‌رود مادر جان.
- ۸- ای فرزندم، شده‌ای مثل ترکه‌ی نی / سیب و به در جیب تو می‌گذارم / نه نخ دارم، نه دوک برای رشتن / پس فرزندم را با خوشی بغل می‌کنم.
- ۹- گریه نکن
- ۱۰- بلای تو مرا بگیرد / به درخت هل و میخک بگیرد / به درختان زنجبیل بگیرد / به دکان عطار بگیرد.
- ۱۱- بهار و ادب فارسی - به کوشش محمد گلبن - سال ۱۳۷۱ - ج ۱ - ص ۱۲۱.
- ۱۲- تاریخ ادبیات کودکان - محمد هادی محمدی و زهره قائینی - نشر چیستا - سال ۱۳۸۳ - ص ۴۰ - ۴۱.

۱۳- «گناتوخ» پسر «کوچولائین» دو شخصیت افسانه‌ی قدیمی ایرلندی، نوشته شده در قرن هشتم میلادی.

۱۴- «تلگونس» پسر «ادیسه» دو قهرمان یونانی - اثر هومر - مربوط به چهار تا پنج قرن قبل از میلاد.

۱۵- «شاهین» پسر «ایلیا» دو قهرمان داستان روسی - مربوط به قرن دوازدهم و سیزدهم میلادی.

۱۶- مقدمه‌ی رستم و سهراب از مرحوم مجتبی مینویی - به نقل از غم‌نامه‌ی رستم و سهراب از دکتر جعفر شعار و دکتر حسن انوری - ص ۴۱.

۱۷- تاریخ ادبیات کودکان - محمدهادی محمدی و زهره قائینی - نشر چیستا - ج اول - ص ۱۹۱ و نیز تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام - دکتر احمد تفضلی - نشر سخن - صص ۲۵۹ - ۲۵۶.

۱۸- تبدیل شدن کودک به یکی از اشخاص اصلی و محوری داستان و پنداشتن خود به جای آن شخصیت است.

۱۹- شخصیت انسانی با صفاتی اغراق گونه و مبالغه‌آمیز در داستان کودکان.

۲۰- از نوع جانوری و تمثیلی که در نوشته‌های امروز از نوع شیئی نیز وجود دارد مثل داستان حیوانات یا مداد رنگی‌ها.

۲۱- شخصیتی نامتغیر و مطلق از نوع نیک رفتار یا کج رفتار که حوادث داستان بر زندگی او اثر می‌گذارد.

۲۲- شخصیتی متحول و متغیر، که از حوادث داستان اثر می‌پذیرد و خود بر روند داستان اثر می‌گذارد.

۲۳- نجات بخشی که در محیطی ناامن و موقعیتی مسدود از داستان فرا می‌رسد. اولین شخصیت‌های گره‌گشا را نیروهای آسمانی و خدایان دانسته‌اند.

۲۴- اشاره به گفته‌ی فردوسی نامدار : تو این را دروغ و فسان مدان / به یکسان روش در زمانه

مدان / از او هر چه اندر خورد با خرد / دگر برره رمز و معنی برد.

۲۵- مضمون سخن ملک الشعراى بهار، در جلد سوم سبک شناسی و در توضیح مرزبان نامه -

انتشارات امیرکبیر - ۱۳۶۹ - ص ۱۵.

کتاب نامه

- ۱- ادبیات کودکان و نوجوانان - بنفشه حجازی - نشر روشنفکران و مطالعات زنان - چاپ نهم - سال ۱۳۸۵.
- ۲- ادبیات کودک و نوجوان - علی اکبر شعاری نژاد - نشر اطلاعات - چاپ نوزدهم - سال ۱۳۷۹.
- ۳- ادبیات کودک و نوجوان - فرامرز نعمت الهی و همکاران - چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - چاپ اول - سال ۱۳۸۳.
- ۴- انواع ادبی - دکتر سیروس شمسیا - نشر فردوس - چاپ هفتم - سال ۱۳۷۹.
- ۵- بهار و ادب فارسی - یک صد مقاله از مرحوم بهار - به کوشش محمد گلین - نشر کتاب‌های جیبی - سال ۱۳۷۱. (دوره‌ی دو جلدی)
- ۶- تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام - دکتر احمد تفضلی - انتشارات سخن - چاپ چهارم - سال ۱۳۸۳.
- ۷- تاریخ ادبیات ایران - محمد هادی محمدی و زهره قائینی - نشر چیستا - چاپ چهارم - سال ۱۳۸۳. (دوره‌ی هفت جلدی)
- ۸- دین و فرهنگ ایرانی پیش از عصر زرتشت - انتشارات سخن - چاپ دوم - سال ۱۳۸۳.
- ۹- روان شناسی رشد - علی اکبر شعاری نژاد - نشر اطلاعات - چاپ دوازدهم - سال ۱۳۷۴.
- ۱۰- سبک‌شناسی - محمدتقی بهار - انتشارات امیرکبیر - چاپ پنجم - سال ۱۳۶۹. (دوره‌ی سه جلدی)
- ۱۱- شناخت اساطیر ایران - جان راسل هنیلر - ترجمه و تألیف باجلان فرخی - انتشارات اساطیر - چاپ اول - سال ۱۳۸۳.

۱۲- قصه‌گویی و نمایش خلاق - دیویی چمبرز - ترجمه‌ی ثریا قزل ایاغ - مرکز نشر دانشگاهی - چاپ چهارم - سال ۱۳۷۸.

۱۳- عناصر داستان - جمال میرصادقی - انتشارات شفا - چاپ دوم - سال ۱۳۶۷.

۱۴- غم نامه‌ی رستم و سهراب - دکتر جعفر شعاری و دکتر حسن انوری - انتشارات علمی - چاپ ششم - سال ۱۳۶۹.

۱۵- لالایی‌ها - محمدباقر نجف‌زاده بارفروش - نشر اسماء - چاپ اول - زمستان ۱۳۷۴.

۱۶- لغت نامه‌ی دهخدا - سازمان لغت نامه - سال ۱۳۳۷ تا بعد (دوره‌ی پنجاه جلدی).

۱۷- نقدادی - دکتر سیروس شمسیا - انتشارات فردوس - چاپ اول - سال ۱۳۷۸.

۱۸- نیم قرن در باغ شعر کودکان - عباس یمینی شریف - انتشارات روش نو - چاپ هفتم - سال ۱۳۸۴.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.